

گونه‌شناسی مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام

امیر علی حسنلو*

چکیده

عزاداری برای اهل بیت علیهم السلام به ویژه امام حسین علیه السلام در ماه محرم و صفر فرهنگ دیرینی است که مورد تأیید قرآن کریم و تأکید روایات است؛ اثرات بی‌نظیری که بر برپایی عزای حضرت سیدالشهدا علیه السلام مترتب است سبب شده که در طول تاریخ و در سده‌های اخیر مخالفان و جریان‌ات معاندی به وجود آید؛ در این پژوهش که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و به روش توصیفی انجام گرفته به دشمن‌شناسی مراسم عزاداری و راهکارهای مقابله با آن پرداخته شده است.

در بررسی تاریخی صورت گرفته مشخص گردید که وهابیت، حکومت پهلوی و برخی حکومت‌های قبل از آن، برخی تحلیل‌گران و تحریف‌کنندگان از دشمنان اصلی برپایی مراسم عزاداری شناخته می‌شوند و راه مقابله با دشمنان و حفظ مراسم عزاداری از تحریفات اقداماتی نظیر در میدان بودن عالمان دین، فعال‌سازی مردم با افزایش دانش، اصلاحات بر محور دین، الگو قرار دادن ائمه اطهار علیهم السلام و تبیین سیره امام حسین علیه السلام است.

واژگان کلیدی: عزاداری، امام حسین علیه السلام، مخالفان، وهابیت، تحریفات.

*. دانشجوی دکتری دانشگاه مذاهب اسلامی قم؛ hasanloo1349@yahoo.com

مقدمه

آداب و سنن دینی و آیین‌های مذهبی و عزاداری امام حسین (ع) دربردارنده ارزش‌ها و محتوای بلند دینی بوده و به‌همین روی همواره دارای دشمنان کینه‌ورز و گاهی به دلیل ناآگاهی خودی‌ها مورد تحریف بوده است؛ براین اساس مراقبت از اصالت و پاسداشت ماهیت اصلی و محتوایی آن یک وظیفه خطیر است که متوجه ارباب معرفت و صاحبان تربیون‌های عزاداری و اهل منبر است؛ پاسداشت و گرامیداشت یاد و نهضت سیدالشهدا (ع) در ایام محرم فرصتی بی‌مانند است برای نگهداشت و استمرار ارزش‌های دینی.

این نوشته در پی پاسخ‌گویی به این شبهه است که مخالفان عزاداری چه طیف‌ها و جریان‌هایی بوده و علت و انگیزه مخالفت آنها چه بوده است.

به‌نظر می‌رسد نگاه جامع با این نگرش و از این افق به آیین عزاداری سابقه ندارد؛ اگرچه آسیب‌شناسی‌هایی که در مقالات و مصاحبه‌هایی که نویسنده با رسانه‌ها داشته، صورت گرفته که از نگره دیگر و با رویکرد تبیین آسیب‌ها بوده است؛ رویکردی که در مقاله پیش‌رو مدنظر است، ابتدا معرفی جریان‌های مخالف عزاداری است و سپس اصول مقابله و راهکارها نیز بیان گردیده است.

الف) شناخت مخالفان عزاداری

در طول تاریخ مخالفان امامت و ولایت با شبهه‌افکنی به دنبال دور کردن مردم از آموزه‌های حسینی بوده‌اند. دشمنی با امام حسین (ع) و تلاش برای به فراموشی سپردن چرایی نهضت امام حسین (ع) همواره منجر به ایجاد شبهاتی از سوی دشمنان اهل‌بیت (ع) شده است. این شبهات در عصر حاضر از طریق معاندان نظام اسلامی و دشمنان ولایت و امامت در شبکه‌های ماهواره‌ای و فضای مجازی بیشتر به چشم می‌آید تا بتوانند مردم را از عزاداری‌ها دور کرده و به‌گونه‌ای مانع رساندن صدای حق‌طلبی شیعه و امام حسین (ع) به مردم عصر ما شوند. یکی از شبهاتی که همواره درباره عزاداری‌های شیعه مطرح شده زیر سؤال بردن عزاداری و گریه بر امام حسین (ع) است. پاسخ به این شبهه را می‌توان از طریق قرآن کریم دنبال کرد، آنجایی که خداوند می‌فرماید: یعقوب در فراق یوسف آن‌قدر گریه کرد که





چشمانش نابینا شد (یوسف: ۸۴) یا در جای دیگری از قرآن خداوند در خصوص آل فرعون می‌گوید: آسمان و زمین بر آنها گریه نکردند. (دخان: ۲۹) آیات قرآن بیانگر آن است که با از دنیا رفتن انسان مؤمن، ولی و انبیای الهی ممکن است آسمان و زمین بر او گریه کنند و در میان عرب نیز این معروف بود که وقتی انسان بزرگی از دنیا می‌رفت آن را مصیبت بزرگ دانسته و می‌گفتند آسمان و زمین بر او گریست (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ص ۵۰۲) و گفته شده زمین و آسمان جز به یحیی و حسین بن علی نگریسته است (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۹۱) در برخی از منابع آمده چهل روز زمین و آسمان بر اینان گریستند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۹۹) حال چگونه می‌توان گفت که برای امام حسین علیه السلام نباید گریه یا عزاداری کرد درحالی‌که شیعیان و آزادگان جهان در طول قرن‌ها عزادار آن امام همام بوده‌اند. بنابراین گریه و عزاداری از منظر قرآن کریم از آن جهت که از شعائر دینی و مصداق تقوا است، باید بزرگ داشته شود (بقره: ۱۵۸) علاوه بر اینکه مشروع و براساس معیار دین مقدس است. چنانکه در ذیل همین آیه در تفسیر نمونه این سنت‌ها از شعائر شمرده شده است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۲۳، ص ۳۸۳).

طیف‌بندی و جریان‌شناسی مخالفان عزاداری

مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام را در دو بخش کلی درونی و بیرونی می‌توان در نظر گرفت و مورد بررسی قرار داد که هرکدام برای کاستن از عظمت عزاداری‌های سیدالشهدا علیه السلام مؤثر است و نیازمند بازکاوی، تحلیل، مرزبندی و مرزبانی است.

۱. تحریفات تحریف‌کنندگان

از دشمنی‌های درونی ناخواسته و گاهی جاهلانه، مناسب است از تحریف و تزییلات بی‌سند مادحانه یاد نمود که سابقه نه‌چندان دور دارد و گاهی از سوی فقها و عالمان دلسوز مورد نقد و انتقاد مصلحانه قرار گرفته است (نوری، [بی‌تا]، ص ۱۷؛ مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۹۴). اگرچه این رویکردها در پیشگیری چندان مؤثر و بازدارنده نبوده است؛ عرف‌گرایی و عوام‌گرایی عامل مهم رویش و رشد این آسیب بوده است؛ شهید مطهری می‌نویسند: به‌طور کلی عامه مردم مصرف‌کننده کالای (تحریف) می‌باشند. اینها اگر این کالاها را که غالباً خودشان می‌دانند کالای تقلبی است، مصرف نکنند عرضه‌کننده (تحریف‌کننده) آن را عرضه

نمی‌کند. عیب قضیه این است که عامه حتی مشوق هم هستند (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۹۵). تحریف‌هایی که در مجالس از سوی واعظین و مداحان صورت می‌گیرد، مداحی‌های نادرست و افزوده‌های نابجا که در منابع و متون تاریخی وجود نداشته، بلکه در طول سال‌ها و با ترویج مداحی‌هایی که با مطامع مادی و خواسته‌های غیر صحیح یا برای گریاندن و تحت تأثیر قراردادن مخاطب صورت گرفته است؛ یکی از علل لطمه دیدن و دشمنی با عزاداری این جریان‌ها بوده است؛ این طیف و گونه از عزاداری خود بستر رویش شبهات گردیده و همین شبهات می‌تواند اسباب مخالفت‌های دیگر را فراهم آورد؛ وجود مقتل‌ها و منابع غیر معتبر و روایات ضعیف بی‌سند و ساختگی نیز در ردیف این گونه قرار می‌گیرد؛ سروده‌ها و اشعار غلوآمیز یا آلوده به خرافات نیز از این گونه هستند.

۲. تحلیل‌های نادرست

طیف و گونه‌ای از مخالفت از سوی خودی‌ها انجام می‌گیرد؛ این طیف اعم از روشنفکران مذهبی، حوزوی و دانشگاهی هستند که با تحلیل‌های نادرست به تحریف دامن می‌زنند؛ این تحریف خواسته یا ناخواسته در تفسیرهای نادرستی همچون (مدنی و اصلاح‌گرایانه، عملگرا، متأثر از شهید جاوید، عرفانی و اخلاقی، غیرسیاسی) از نهضت عاشورا نمود پیدا کرده و به شدت در محافل روشنفکری رواج یافته و مدت‌هاست این اندیشه مطرح شده است. در این تحلیل‌ها و تفسیرهای نادرست از قیام سیدالشهدا (ع)، جنبه‌های سیاسی و ابعاد حماسی آن کم‌رنگ جلوه داده می‌شود (بولتن محرمانه، ۱۳۹۹، ص ۵ - ۱۰) این بینش در آینده می‌تواند آسیب‌ها و پیامدهای ناگواری برای احیاگری و بیدارگری جوامع اسلامی که از نهضت و قیام ملهم هستند، داشته باشد.

۳. برخی اقلیت‌های دینی

این گروه‌ها نیز نگرانی خود را از گرایش زرتشتیان به مجالس عزاداری و استقبال آنان و شرکت در مجالس و گاهی اطعام و نذری در دسته‌های عزاداری و گرایش برخی از زرتشتیان به تشیع، پنهان ننموده و در مقابل این بینش فعالیت‌های خصمانه فکری در پیش گرفته‌اند، برخی از مؤبدان بزرگ زرتشتی عشق و علاقه خود به امام حسین (ع) را این گونه اظهار می‌نمایند که امام حسین (ع) به جهت وصلت با شاهزاده ایرانی، داماد ایرانیان و قوم زرتشت به شمار می‌آید. از همین روی ما علاقه‌مند به امام حسین (ع) هستیم و در مجالس آن مصلح



الهی شرکت می‌نماییم. رئیس انجمن زرتشتیان طی سخنرانی درباره امام حسین علیه السلام گفت: «امام حسین علیه السلام هستند که در پی دفاع از مظلوم و ایستادن در برابر ظلم حتی جان و مال خود را فدا کردند» (مشرق نیوز، کد خبر ۴۹۹۹۵۰، تاریخ انتشار: سوم آذر ۱۳۹۴). علی‌رغم این تمایلات و اظهارات، طیف و گروهی از زرتشتیان که بی‌تأثیر از ملی‌گرایان مخالف نظام سیاسی نیستند در فضای مجازی و شبکه‌های ماهواره‌ای با اظهار چند نوع نگاه و تحلیل به مخالفت با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام پرداخته و به آن دامن‌زده و شبهاتی را منتشر می‌کنند، مانند:

۱. دشمنی عرب با ایرانیان و تجاوز به نوامیس ایرانیان در فتوحات؛ ۲. معادل‌سازی از افراد باستانی ایران و قهرمان‌سازی از آنان در مقابل قهرمانان اسلامی؛ ۳. ایجاد بیگانگی و سست نمودن احساسات و عادی جلوه دادن ابعاد مختلف عزاداری برای سیدالشهدا علیه السلام، مختص دانستن عزاداری برای عرب که هیچ ربطی به ما ندارد؛ این گونه تحلیل‌های نادرست در فضاهای مختلف مجازی به صورت گسترده منتشر گردیده و تحلیل‌هایی دگرگون و مخرب از عزاداری همراه با نفی اساس آن، با هدف نفی اصل دین اسلام و تشیع دنبال می‌گردد؛ گاهی با برداشت نادرست و تقطیع احادیثی که منسوب به امام حسین علیه السلام است، نگاه منفی از امام نسبت به ایرانیان ارائه می‌دهند که در نوع خود تأمل برانگیز است و گاهی این شبهه‌سازی دامن‌گیر جوانان دانشجو که از منابع تاریخی آگاهی کم دارند، می‌گردد.

۴. برخی حکومت‌ها

یکی دیگر از انواع دشمنی‌ها با عزاداری سیدالشهدا علیه السلام که تاریخی دیرینه دارد، ممنوع نمودن عزاداری سیدالشهدا علیه السلام بوده است که در طول تاریخ از سوی برخی از حاکمان با گرایش‌های مذهبی یا سیاسی اعمال شده است؛ شیعه در برخی از دوره‌های مختلف تاریخ اجازه برگزاری علنی این مراسم را نداشته است، حاکمیت‌های جائز به جهت ترس از پیامدهای عزاداری، مانع برگزاری این مراسم شده‌اند؛ در مقابل این برخورد منفی، برخی از حاکمان نیز ضمن اینکه خود به عزاداری اهمیت داده‌اند، در ترویج آن نیز کوشیده و هیچ مانعی برای عزاداری ایجاد نکرده‌اند.

در محرم سال ۲۵۲ هجری قمری، معزالدوله دیلمی دستور داد که مغازه‌ها بسته و تعطیل عمومی گردد و مردم عزاداری کنند و مردم با حالت عزا و ماتم در خیابان‌ها حرکت کردند (ابن‌اثیر، ۱۹۶۵م، ج ۸، ص ۵۴۹).

با این رویکرد دیلمیان، عزای عمومی در میان شیعیان به صورت یک سنت در آمد، در این دوره، اشعار در قالب قصیده سروده می شد، ستم های بنی امیه و بنی عباس در آن ذکر و مقام و منزلت اهل بیت علیهم السلام بیان می گردید. در عزاداری و قصیده ها بیشترین توجه به ولایت اهل بیت علیهم السلام بود و کتب مقتل تألیف گردید (گروهی از تاریخ پژوهان، ۱۳۸۹، ص ۳۴۰-۳۶۰). در این دوره در بغداد و شهرهای دیگر درگیری شدید بین شیعه و اهل سنت وجود داشت و حکومت هایی که پیرو بنی امیه و بنی عباس بودند، اهل سنت را بر کشتار شیعیان تحریک و از برگزاری مراسم عزاداری منع می کردند؛ در سال ۴۰۷ هجری قمری در آفریقا و در ماه محرم معزین بادیس لشکریان خود را به قتل شیعیان دستور داد و اهل سنت را نیز در این امر آزاد گذاشت؛ جمع کثیری از شیعه را در آفریقا کشتند و در آتش سوزاندند؛ خانه های آنها را خراب کردند؛ جمعی به قصر منصور پناه بردند، اما در محاصره قرار گرفتند و هرکسی از قصر خارج شد، کشته شد و همگی به قتل رسیدند و جمعی به مسجد جامع پناه بردند، در آنجا نیز همگان را از بین بردند (ابن اثیر، ج ۹، ص ۲۹۴). در ادوار بعدی عزاداری شیعه به عنوان یکی از مراسم در مناطق شیعه نشین برگزار می گردید و گاهی با موانعی از سوی مخالفان روبرو می شد؛ پس از آل بویه که عزاداری می کردند و دسته عزاداری در بغداد راه انداختند، چندین سال این رسم ادامه یافت و مبدل به آیینی گردید که دیگر حاکمیت ها نتوانستند به کلی تعطیل کنند یا از پیشروی فرهنگی آن جلوگیری نمایند.

۵. خاندان بهلوی ها

از جمله مخالفان عزاداری امام حسین علیه السلام که در اقامه عزاداری آسیب ها و تحریفاتی ایجاد کرده و جزء عوامل درونی است، رضاخان میرپنج و فرزند او بود؛ این پدر و پسر- بدترین دشمنی ها را درباره فرهنگ اسلام بروز داده و تأثیرات وسیع منفی در جامعه داشته اند؛ رضاخان قبل از به سلطنت رسیدن خود در عزاداری ها شرکت می کرد و در قزاقخانه یک خیمه بزرگ عزاداری می زد. افزون بر این، رضاخان شب ها به مجالس روضه خوانی اصناف می رفت و در مراسم آنان شرکت می کرد. در این مجالس برخی از وعاظ و روضه خوان ها روی منبر از وی تعریف و او را دعا می کردند (اعظام قدسی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۶۹۳). در یک روز عاشورا نیز رضاخان میرپنج، دسته قزاق را با يك هيئت از صاحب منصبان در جلو و افراد و بیرق ها و کتل



با نظم و تشکیلات خاصی از قزاق‌خانه حرکت و از میدان توپخانه و خیابان ناصریه به سوی بازار به حرکت درآورد، سردار سپه در این دسته حالت عزادار به خود گرفته و یقه‌اش را باز کرد و به نشانه عزا روی سرش گل مالید و افراد دسته هم به تبعیت از او بر سرشان گل مالیده بودند، با پای برهنه وارد بازار شدند. دسته قزاق‌ها همراه خودشان يك دسته بالابانچی (دسته موزیک) هم داشتند که مارش عزا می‌زدند و قزاق‌ها نوحه زیر را می‌خواندند:

اگر در کربلا قزاق بودی *** حسین بی‌یاور و تنها نبودی (همان، ص ۶۹۲-۶۹۳).

اما پس از اینکه به سلطنت رسید، موضع رضاخان عوض شد و در ابتدا به صورت کم‌رنگ و با برپایی یک مراسم ساده به عزاداری بسنده نمود و در سال ۱۳۱۰ روضه‌ای مختصر در تکیه دولت گرفت و به تدریج به شکل مرموزی مجالس عزاداری را تبدیل به ترویج موسیقی و... نمودند و روش نوین زندگی را که سعی داشت مردم را بیشتر به تفریح و سرگرمی و خوش‌گذرانی تشویق و مشغول نماید، رواج می‌دادند. از این رو، با روش‌های گوناگون گریه را عامل نامطلوب معرفی می‌نمودند که در سلامت زندگی تأثیر منفی دارد و افسردگی و گوشه‌گیری می‌آورد (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۱۳۹-۱۴۱) مانع تراشی از سوی شهربانی برای برقراری مجالس عزاداری شروع و گرفتن مجوز را لازم دانستند و حرکت دسته و برپایی عزاداری بدون مجوز ممنوع گردد؛ عزاداری مخفیانه در خانه‌ها منع و صاحبان خانه تحت تعقیب قرار گرفته و حبس می‌شدند. مخالفت با عزاداری تا آنجا رسید که به جای عزاداری، کاروان‌های شادی در دهه محرم و عاشورا به راه انداختند و رؤسای اصناف را مجبور به شرکت دادن صنف‌ها در این دسته‌ها می‌نمودند؛ تا جایی که در سال‌های آخر سلطنت رضاخان دسته‌های رقاصی زنانه و... با ساز و آواز به پایکوبی و رقص در شب عاشورا در سطح شهر تهران و برخی شهرها به راه افتاد؛ حتی برخی از ذاکرین و اهل منبر نیز تحت تعقیب قرار گرفتند. با واعظانی که درباره فلسفه عزاداری و از ظلم و قیام صحبت می‌نمودند برخورد می‌شد و دستگیر می‌گشتند، لذا عزاداری‌ها عملاً به تعطیلی کشیده شد (مکی، ۱۳۶۱، ج ۴، ص ۱۹).

بی‌گمان این رفتار رضاخان بدون اذن اربابان استعمارگرش نبود؛ مردم مسلمان و معتقد به مکتب عاشورا با مواجه شدن با ممنوعیت، عزاداری‌ها را به منازل و زیرزمین‌های خانگی کشیدند؛ براساس برخی نقل‌های تاریخی، روضه‌های خانگی زمانی که رضاشاه در سال ۱۳۱۴

هجری شمسی، برگزاری مجالس عزاداری در مساجد و تکایا را ممنوع کرد، میان مردم رواج پیدا کرد و مردم برای برپایی مجلس عزاداری به خانه‌ها رفتند و هربار یک نفر بانی روضه در منزل خود بود و اگر دستگیر می‌شد، پس از آزادی دوباره به برگزاری مجالس عزاداری همت می‌نمود (بصیرت‌منش، ۱۳۷۶، ص ۳۳۷).

آیت‌الله بڈلا دربارهٔ وضعیت عزاداری در تهران در دورهٔ اختناق رضاخانی در خاطرات خود گزارش دقیقی ارائه نموده است که حاکی از مخالفت و سخت‌گیری رضاخان نسبت به عزاداری و حرکت دسته‌های عزاداری است. ایشان از سیاست‌های نگران‌کننده‌ای که حاکی از نفوذ درباریان و منحرف نمودن ماهیت عزاداری می‌باشد، گزارشی داده که یک گزارش میدانی با ارزش و مستند است که دشمنی علنی رضاخان و خاندان پهلوی را نمایان می‌سازد (بڈلا، ۱۳۷۸، ص ۲۳-۲۴). نتیجه این نوع برخورد دستگاه پهلوی با عزاداری سیدالشهدا (ع) به زیان او تمام شد و سلطنت نیابتی او از استعمار به پایان رسید و از ایران دستش کوتاه شد؛ انگلیسی‌ها همانطور که او را سر کار گذاشته بودند، او را تبعید و از سلطنت خلع نمودند؛ لذا ممنوع بودن برگزاری مراسم عزاداری امام حسین (ع) با اشغال ایران به دست متفقین و تبعید رضاخان به پایان رسید؛ با پخش خبر تبعید رضاخان از کشور، بسیاری از مردم به صورت خودجوش به تکیه‌های عزاداری و مسجدها روی آوردند و با اینکه خروج رضاخان از ایران در ماه محرم و صفر نبود، اما مردم به شوق آمده و فریاد «یا حسین» سردادند؛ این‌گونه حرکت مردم و اظهار شادی خود با فریاد «یا حسین»، در واقع واکنشی بود به سال‌های ممنوع بودن عزاداری امام حسین (ع) (حائری، ۱۳۷۲، ص ۳۳-۳۴؛ جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۰) محمدرضا پس از سقوط پدرش سیاست‌های فرهنگی او را ادامه داد؛ دربارهٔ مراسم مذهبی او نیز ابتدا ظاهراً خود را دوستدار اهل‌بیت (ع) و پادشاه شیعه معرفی می‌نمود و با ظاهری خاص در مجالس روضه که در تکیه دولت بر پا می‌شد، حضور می‌یافت. عَلم در این باره می‌نویسد: «... در شام شاهانه حضور به هم رساندم. ملکه مادر پیشنهاد کرد که بهتر است امسال مراسم سلام نوروز لغو شود؛ چون با دههٔ عاشورا مصادف شده، پیشنهاد چرتی بود، ولی ترسیدم مبدا جدی تلقی شود. معمولاً در این قبیل مراسم سکوت اختیار می‌کنم، ولی امشب با گستاخی دخالت کردم، پرسیدم: «منظور علیاحضرت چیست؟ ما که نمی‌توانیم سنت‌های ملی را بابت مراسم بی‌معنی



کنار بگذاریم! حتی اگر نوروز با روز عاشورا هم مصادف شود، مراسم امسال باید همچنان برگزار شود.» سکوتی برقرار شد و کسی موضوع صحبت را عوض کرد. شاه از فضولی من راضی بود...» (عَلَم، ۱۳۷۱، ص ۱۹۱) پهلوی دوم نمی‌توانست بدون اجازه اربابان در امور مذهبی آزادی کامل به مردم بدهد، چرا که انگلیس از شیعه و عزاداری‌ها و نهضت امام حسین علیه السلام رضایت نداشت و در ممالک مستعمره اسلامی از جمله عراق ضربه خورده بود. از این‌روی استعمارگران به حکومت نیابتی خود و مهره استعماری، درباره خاموش کردن صدای محرم و محدود کردن آیین‌های عزاداری آن که در ایجاد جنبش‌های انقلابی تأثیر مستقیم داشته، دستوراتی داده بوده‌اند و محمدرضا از این فرامین تبعیت نموده و عزاداری‌ها را محدود نمود؛ اگر چه مثل زمان رضاخان منع کلی و عمومی نبود؛ لذا عزاداری آزاد ولی بسیار محدود به روزها و زمان خاص شده و خروج دسته‌جات، منحصر به سه روز تاسوعا و عاشورا و یازدهم محرم بود (کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲۹؛ جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۲۸۲۷).

حرکت منفی دیگری که زمان محمدرضا علیه عزاداری محرم آغاز شد، تقبیح گریه کردن، عامل افسردگی دانستن لباس عزا، ارائه تحلیل‌های وارونه از نهضت و قراردادن مراسمات عزاداری در مقابل سنت‌های باستانی و برجسته نمودن آداب و سنن باستانی و ذکر آنها در رسانه‌ها بود که توسط احزاب وابسته به دربار جهت بی‌میل کردن مردم به مراسم سوگواری انجام می‌شد؛ این رفتارها و محدودیت‌ها، مردم را وادار نمود تا دست به ابتکارهای مردم نهاد و راه‌اندازی تشکلهای مذهبی مردمی بزنند. لذا منع عزاداری توسط پهلوی اول و محدودیت و حرکت‌های ایدئائی پهلوی دوم، عواطف مذهبی مردم را جریحه‌دار نموده و انگیزه تشکلهای مردمی را تقویت کرد و مردم مصمم شدند عزاداری‌های خانگی را مبدل به عزاداری‌های دسته جمعی کنند و هیئات مذهبی خانگی و هفتگی و ماهیانه را در قبال منع روضه‌های ماه محرم راه اندازی نمایند که برای حکومت غیرقابل کنترل و اشراف بود (کاشانی، ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۲۲۹).

تحلیل‌های ناروا از قیام امام حسین علیه السلام در عاشورا از سوی وابسته‌های درباری و روشنفکران غرب‌گرا و راست و چپ‌های سوسیالیست و مارکسیست طرفدار شوروی که علیه روحانیت متفق بودند، ارائه می‌شد (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۲۸۲۷). محدود و منع نمودن عزاداری مردم در ماه محرم و صفر سبب گردید، جریان‌های مذهبی در مقابل آنها به تأسیس

تشکل‌ها و مؤسسات روشنگران دست بزنند (همان، ص ۵۵). از میان همین تشکل‌های دینی که در جذب جوانان موفق گردید، جنبش‌ها و نهضت‌های ضد حکومتی و مبارز رویش نمود و تا سال ۱۳۴۲ و قیام پانزده خرداد به طرفداری و حمایت از مبارزات امام خمینی (ره) علیه اصلاحات ضد دینی شاه پرداختند، همه اینها به عزاداری و آثار آن مربوط است که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی گردید.

۶. وهابیت

از جمله مخالفان سرسخت عزاداری که می‌توان آن را عامل بیرونی دانست و از مهمترین دشمنان عزاداری مکتب شیعه در ماه محرم و صفر است که مدام به شبهه‌افکنی درباره عزاداری پرداخته، فرقه استعماری وهابیت با بینش سلفی است که سال‌هاست بر طبل خرافه و بدعت می‌کوبد و عزاداری برای سیدالشهدا (ع) را در شبکه‌های مجازی، ماهواره‌ای و کانال‌های مختلف با استنادات ساختگی و ضعیف مورد حمله قرار می‌دهد؛ انگیزه و هدف اصلی این شبکه‌ها و این جریان شبهه‌ساز روشن است که از آثار مثبت و فراوان این فرهنگ در حفظ و گسترش مکتب تشیع در سایه عزاداری برای سیدالشهدا (ع) نگران و در هراس بوده و هستند؛ این از آثار عزاداری است که ده‌ها شبکه وابسته به وهابیت با پول‌های حاکمان عربستان و امارات درباره عزاداری و قیام سیدالشهدا (ع) و مکتب عاشورا شبهه‌پراکنی می‌کنند؛ آثاری که جوانان مسلمان را به تأمل و خودآگاهی و بصیرت و بیداری وادار می‌نماید و نتیجه‌اش گرایش به مکتب اهل‌بیت (ع) است.

ب) راهکارهای مبارزه با مخالفان سنت عزاداری

راه اصلاح و مقابله و برون‌رفت از این آسیب‌ها و دشمنی‌ها و تحریف را باید مورد کاوش قرار داد و اصولی برای اصلاح بکار بست که به چند نمونه اشاره می‌شود:

۱. روشنگری عالمان دین

تبیین علما و دانشمندان دین در مقابل بدعت‌ها و انحرافات راه درست مقابله است. چنانچه رسول الله (ص) می‌فرمایند: وقتی که بدعت‌ها و انحرافات در دین و بین امت ظاهر شد، بر علماست که با آن مقابله و حقیقت را بیان کنند و اگر چنین نکنند لعنت خداوند شامل حال آنان می‌شود (محقق حلی، ۱۳۶۴، ج ۱، ص ۱۹). پس اولین راه جلوگیری از تحریفات در هر



چیز این است که علمای جامعه حقایق را برای مردم تشریح کنند؛ مردم را از واقعیت آگاه سازند و به اصطلاح مردم را در برابر خرافات و موهومات واکسینه کنند؛ نقاط ضعف جامعه را با تبلیغ اصلاح کرده، با عوامل پیدایش تحریفات مبارزه کنند؛ همان‌گونه که برخی از عالمان برجسته دین مثل جعفر مرتضی عاملی و علامه سید مرتضی عسگری و بزرگانی همچون شهید مطهری با نگارش کتاب حماسه حسینی و بحث در مورد تحریفات عاشورا با این عمل مبارزه کردند و در این مسیر زحماتی کشیده‌اند.

۲. فعال‌سازی مردم با افزایش آگاهی

امروزه با توجه به گسترش وسایل ارتباطی، کمتر مناطقی یافت می‌شوند که مردم به افراد دانشمند و عالم به مسائل و تاریخ عاشورا دسترسی نداشته باشند. ولی با این وجود در مجالسی شرکت می‌کنند که خودشان هم می‌دانند در آن مجلس نسبت به تاریخ عاشورا کجروی و انحراف وجود دارد. لذا افزایش سطح آگاهی مردم سبب عدم تحریف و کجروی‌ها می‌گردد. با این حال بنا به خواست خودشان، کار خودش را توجیه می‌کنند. وقتی که قرآن می‌گوید: «و حال آنکه در کتاب بر شما این حکم را فرستاده که چون شنیدید به آیات خدا کفر می‌ورزند و ریشخند می‌زنند با آنان می‌نشینید تا در سخن دیگر فرو روند که شما هم مثل آنان خواهید بود» (نساء: ۱۴۰).

پس وقتی که در جریان تاریخ عاشورا انحرافی ایجاد کنند گویی به امام معصوم و اهل‌بیت علیهم‌السلام او دروغ بسته‌اند، گناه دروغ، هم برگزیده و هم بر شنونده آن است. شهید مطهری رحمته‌الله می‌نویسند: به‌طور کلی عامه مردم مصرف‌کننده کالای (تحریف) می‌باشند. اینها اگر این کالاها را که غالباً خودشان می‌دانند کالای تقلبی است، مصرف نکنند، عرضه‌کننده (تحریف‌کننده) آن را عرضه نمی‌کند. عیب قضیه این است که عامه حتی مشوّق هم هستند (مطهری، ۱۳۷۱، ص ۲۹۵).

۳. اصلاحات بر محور دین

یکی از وظایف بزرگان دین و مصلحان مذهبی، مبارزه با آفت‌ها و انحرافات معنوی و تاریخی حادثه عاشورا است.

لذا مسئولان امر باید همت گمارند که یادبود و گرامیداشت ایام عاشورا متناسب فرهنگ روز جامعه باشد که هم جذابیت و هم اثرگذاری داشته باشد بدون اینکه در محتوای آن

دگرگونی ایجاد شود. چرا که مهم‌ترین هدف عاشورا اصلاح دینی در طول تاریخ اسلام است. همان‌گونه که امام حسین (ع) از مدینه تا کربلا، همواره به آفت‌ها و صدماتی که به دین وارد شده اشاره کرده و هدف از قیام را اصلاح این آسیب‌ها معرفی نموده است. «آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل جلوگیری نمی‌گردد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۱۶).

۴. الگوگیری از ائمه معصومین (ع)

بعد از واقعه عاشورا عزاداری برای امام حسین (ع) شروع شد و اولین عزادار آن حضرت، فرزندان و خواهران امام و سپس در دوره‌های بعد دیگر ائمه (ع) بر مصیبت امام حسین (ع) عزاداری کردند. باید دید که این بزرگواران به چه ترتیب عزاداری می‌کردند؛ چنانچه امام رضا (ع) از حالات پدر بزرگوارشان در ایام محرم نقل می‌کنند: آن گاه که محرم آغاز می‌شد، دیگر پدرم مسرور و خندان دیده نمی‌شد و حزن و ملال بر او چیره می‌گشت، تا روز عاشورا که آن روز، روز مصیبت و حزن و گریه‌اش بود و می‌فرمود: در چنین روزی بود که امام حسین (ع) کشته شد (شیخ صدوق، ۱۴۱۷ق، ص ۱۹۱).

و امثال این گونه موارد در عزاداری عاشورا از سوی معصومین (ع) بسیار است که می‌توان با الگوگیری از آنها هم به شهادت امام حسین (ع) گریست و هم اهداف و برنامه‌های قیام امام را تشریح نمود. ترویج روش و سیره ائمه (ع) در عزاداری خود مانع از ترویج انحرافات و شیوع دشمنی با عزاداری است.

۵. تبیین سیره امام حسین (ع)

تحقیق و تبیین سیره امام حسین (ع) از دوران‌های مختلف زندگی امام راهکار دیگر است، این سیره به صورت مستند با مراجعه به منابع معتبر اهل سنت و تشیع باید برای مردم بازخوانی شود تا مردم شناخت بیشتری از ابعاد زندگی امام داشته باشند. شناخت صحیح امام حسین (ع) و ارائه تحلیل درست از قیام آن حضرت بهترین روش برای مقابله با آسیب‌هاست؛ وقتی که شخص یا جامعه درک و شناخت صحیح از امام حسین (ع) داشته باشند و مقام و شأن امام را بدانند و به فلسفه قیام آگاه باشند، در این صورت می‌توان جلوی خیلی از تحریفات و دشمنی را گرفت، زیرا عدم شناخت صحیح از امام و قیام و تنها دل سوزاندن و اشک ریختن برای امام حسین (ع) موجب پیروی کورکورانه از افراد مغرض و جاه‌طلب می‌شود

که به هر قیمتی می‌خواهند در جامعه مطرح بشوند؛ لذا اگر کسانی از این گونه افراد به‌طور ناآگاهانه پیروی کنند، آنها هم برداشت‌های ناروا از دین، از امام حسین (ع) و از واقعه کربلا ارائه می‌دهند؛ پیامبر اکرم اسلام (ص) می‌فرمایند: برای هر چیزی ستونی است و ستون دین آگاهی و علم است (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۲۱۶).

نتیجه‌گیری

باتوجه به اهمیت عزای سیدالشهدا (ع) در طول تاریخ گروه‌های متعددی مانند: تحریف‌کنندگان، ارائه‌کنندگان تحلیل‌های نادرست، برخی اقلیت‌های دینی، برخی حاکمان سیاسی، همچون خاندان پهلوی و وهابیان به مخالفت با این شعائر پرداختند. برای مقابله با مخالفان چند راهکار ارائه شده است، مانند: در میدان بودن عالمان دین، فعال‌سازی مردم با افزایش سطح آگاهی آنان، اصلاحات بر محور دین، الگوگیری از ائمه معصومین (ع) و تبیین درست سیره امام حسین (ع) است.



فهرست منابع

قرآن کریم.

۱. ابن اثیر، عزالدین علی بن ابی‌الکرم، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارالصادر، ۱۹۶۵م.
۲. اعظام قدسی، حسن، *خاطرات من یا تاریخ صد ساله ایران*، تهران: کارنگ، ۱۳۷۹.
۳. بصیرت منش، حمید، *علما و رژیم رضاشاه: نظری بر عملکرد سیاسی - فرهنگی روحانیون در سال‌های ۱۳۰۵-۱۳۲۰*، تهران: عروج، ۱۳۷۶.
۴. جعفریان، رسول، *جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی سیاسی تاریخ ایران*، چاپ پنجم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳.
۵. حائری، عبدالهادی، *آنچه گذشت*، تهران: معین، ۱۳۷۲.
۶. سبزواری، محمدبن حبیب‌الله، *إرشاد الأذهان إلى تفسیر القرآن*، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۷. شیخ صدوق، ابن بابویه، محمدبن علی، *الأمالی*، قم: بعثت، ۱۴۱۷ق.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۷۲.
۹. عَلم، اسدالله، *گفت‌وگوهای من با شاه، خاطرات محرمانه امیر اسدالله علم*، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: طرح نو، ۱۳۷۱.
۱۰. قمی، علی بن ابراهیم، *تفسیر قمی*، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۷.
۱۱. کاشانی، سیدحسین معتمدی، *عزاداری سنتی شیعیان در بیوت علما و حوزه‌های علمیه و کشورهای جهان*، قم: اعتمادی، ۱۳۷۹.
۱۲. گروهی از تاریخ پژوهان، *مقتل جامع سیدالشهدا (ع)*، تصحیح و تعلیق: مهدی پیشوایی، قم: مؤسسه امام خمینی (ع)، ۱۳۸۹.
۱۳. مجلسی، محمدباقر، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.
۱۴. محقق حلّی، *المعتبر*، قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۶۴.
۱۵. مرکز اسناد انقلاب اسلامی، *هفتاد سال خاطره از آیت‌الله سیدحسین بدلا*، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۸.

۱۶. مطهری، مرتضی، حماسه حسینی، تهران: صدرا، ۱۳۷۱.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دارالمکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
۱۸. مکی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران: وقایع قبل از شهریور ۱۳۲۰، تهران: علمی، ۱۳۶۱.
۱۹. نوری، حسین بن محمدتقی، لؤلؤ و مرجان، [بی جا]، [بی نا]، [بی تا].
۲۰. بولتن محرمانه، انتشار در سال ۱۳۹۹.
۲۱. مشرق نیوز، کدخبر ۴۹۹۹۵۰، تاریخ انتشار: سوم آذرماه ۱۳۹۴.